

«فرضیه» در «مذهب اقتصادی اسلام»

با تأکید بر دیدگاه شهید صدر در کتاب «اقتصادنا»

محمد جواد قاسمی اصل اصطهباناتی / دانشجوی دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی*
 دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۶
 ghasemi2561@anjomedu.ir

چکیده

فرضیه، حدسی درباره روابط بین متغیرهاست که اگر به درجه اعتبار برسد، تبدیل به نظریه می‌شود. ضرورت، جایگاه، ویژگی‌ها و انواع فرضیه، محل بحث اندیشمندان است. در مکتب اقتصادی اسلام - که شهید صدر از آن به مذهب تعبیر می‌کند و برنامه کلی سعادت اقتصادی را در خود دارد - نیز ضرورت فرضیه، ویژگی‌ها و انواع آن نیاز به بررسی دارد. این تحقیق، به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش فرضیه در کشف مذهب اقتصادی با تکیه بر دیدگاه‌های شهید صدر می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که طرح فرضیه در فقه جایگاه اساسی دارد و قابل چشم‌پوشی نیست. در مذهب اقتصادی اسلام نیز فرضیه ضرورت دارد. بر اساس دیدگاه شهید صدر، در کشف مستقیم، فرضیه طی پنج مرحله تجمیع، تفکیک، ترجیح، تدوین و ترکیب احکام شرعی به دست می‌آید. در کشف معکوس، فرضیه از مفاهیم اسلامی به دست می‌آید. این فرضیات، گزاره‌هایی باثبات، کلی، راهبردی و غیرانفعالی در برابر رفتار افراد است که از سنخ ساختارهایی چون نظریه توزیع و تولید، راهبردهایی چون تنوع مالکیت، و اهدافی چون عدالت اجتماعی (اقتصادی) است.

کلیدواژه‌ها: فرضیه، شهید صدر، انواع فرضیه، مذهب اقتصادی، اقتصاد اسلامی.

مقدمه

هر نظریه، دیدگاهی دربارهٔ یک حقیقت یا پدیدهٔ طبیعی یا اجتماعی ارائه می‌دهد که منبع و روش شناخت آن، با موضوع آن تناسب دارد. نظریات مرتبط با اقتصاد اسلامی را می‌توان در یکی از چهار دستهٔ ذیل جای داد:

۱. مبانی: این نظریه‌ها را می‌توان در سه حوزهٔ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی تفکیک کرد. مبانی هستی‌شناسی دارای شعبه‌هایی چون خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی است. نظریاتی که در این زمینه به دست می‌آید، به اقتصاددان این شناخت را می‌دهد که از چه منابعی، به چه روش‌هایی و برای چه غایاتی نظریه‌پردازی کند. بخشی از این مبانی، ماهیت اقتصادی دارند.

۲. نظریه‌های مذهبی: این نظریه‌ها مربوط به قبل از تحقق رفتارهای بیرونی است و از ابیدهای ثابت و جهت‌گیری‌های کلی نامتغیر صحبت می‌کند.

۳. نظریه‌های علمی: این نظریه‌ها مربوط به تحقق پدیده‌ها و رفتارهاست و از چگونگی و چرایی پدیده‌ها و رفتارهای انسان مسلمان صحبت می‌کند. هرچند این رفتارها نیز متأثر از هنجارهاست، اما آنچه در اینجا مدنظر است، حیثیت موجودیت آن است.

۴. نظریه‌های سیاستی: این نظریات، مربوط به رفتارهای بیرونی و ناظر به تغییر رفتارها به سمت رفتارهای سازگار با مذهب و هنجارهاست.

جان نویل کینز، برای اولین بار، دانش اقتصاد را به سه بخش اخیر تقسیم کرد: «هدف علم اثباتی، تعیین یکنواختی‌هاست؛ درحالی‌که هدف علم هنجاری، تعیین آرمان‌ها، و هدف هنر [اقتصاد سیاسی (یا تجویزی)] فرموله کردن دستورهاست» (بلاگ، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱). این تفکیک سه‌گانه، بعد از وی چندان مورد توجه قرار نگرفت؛ اما از آنجا که تحقیق و نظریه‌پردازی در هر یک از این حوزه‌ها، از روش ویژه‌ای پیروی می‌کند و تقسیم و مرحله‌بندی مفیدی برای دانش اقتصاد ارائه می‌دهد، شایستهٔ پیگیری است.

نظریات مذهبی، طبق تعبیر شهید صدر، گزاره‌هایی است که از سوی منظومه‌های فکری گوناگون برای حل مشکلات اقتصادی زندگی در سطح کلی پیشنهاد می‌شود؛ یعنی هدف نهایی اقتصاد اسلامی، راه‌های اساسی رسیدن به این هدف و وسایل مورد نیاز برای حرکت در این مسیر و رسیدن به آن هدف، مطرح می‌گردد. به تعبیر دیگر، «مقصد»، «مسیر» و «مرکب» حرکت، در مذهب تعیین می‌شود. این سه، با تعبیر «مذهب» در اصطلاح شهید صدر - که از ریشهٔ «ذهاب»، یعنی «رفتن» است - سنخیت و سازگاری کامل دارد. گویانکه خود شهید صدر، مذهب را چنین تعریف می‌کند: «مذهب، مسیری است که مجتمع، با هدف حل مشکلات اقتصادی، آن را انتخاب می‌کند» (صدر، ۱۳۸۲، ص ۴۴ و ۳۶۰). در متون فارسی‌زبان، به‌جای تعبیر «مذهب» در اصطلاح شهید صدر، از تعبیر «مکتب» استفاده می‌شود. این گزاره‌ها در اقتصاد اسلامی، ثمرهٔ تحقیقات در فقه نظریه است و در علم اقتصاد و اقتصاد سیاستی کاربرد دارد. در اقتصاد اسلامی، شکل‌گیری نظریات مذهبی از سنخ کشف (در مقابل

ایجاد) است. طبق نظر شهید صدر، در اقتصاد سرمایه‌داری، قوانین مبتنی بر دیدگاه‌های مذهبی شکل گرفته و ایجاد شده است؛ درحالی که در اقتصاد اسلامی، نظریه‌پرداز اسلامی باید مذهب را از بررسی قوانین و لوازم آن کشف کند (همان، ص ۴۳۱)؛ زیرا اقتصاددان مسلمان، نظریه مذهبی را از خلال عملکرد شریعت در صدر اسلام از دو منبع «احکام» و «سیاست‌ها»ی اقتصادی معصومان علیهم‌السلام به دست می‌آورد. نظریاتی که شهید صدر رحمته‌الله در *اقتصادنا* مطرح کرده (۱۳۸۲)، مثال این نوع نظریات است.

نظریه، از یک فرضیه اولیه شکل می‌گیرد. فرضیه، حدس اولیه‌ای است که محقق در پاسخ به پرسش تحقیق ارائه می‌دهد. در مورد جایگاه و ضرورت فرضیه اختلاف نظر وجود دارد. این تحقیق درصدد تثبیت جایگاه فرضیه در مذهب اقتصادی اسلام است و اگرچه بنا ندارد اختلاف نظر را درباره جایگاه فرضیه را به تفصیل بررسی کند، مقدمتاً بحثی درباره جایگاه فرضیه به صورت کلی مطرح خواهد شد.

اگرچه بحث از جایگاه فرضیه در انواع نظریات اقتصاد اسلامی قابل طرح است، دغدغه این تحقیق، نمایش دادن جایگاه فرضیه در مذهب اقتصادی اسلام است. از آنجاکه مذهب اقتصادی در اسلام از منطلق و روش اجتهادی و کشفی پیروی می‌کند، با طرح بحث جایگاه فرضیه در فقه، زمینه برای توضیح جایگاه فرضیه در مذهب اقتصادی اسلام نیز فراهم می‌شود. فرضیه تحقیق این است که تحقق فرضیه در نظریه‌پردازی در مذهب اقتصادی اسلام، ضروری است. فرضیات مذهبی بین مرحله اول (تجمیع شواهد فقهی) و دوم (سنجش با مفاهیم اسلامی) کشف نظریه به دست می‌آید. فرضیات مذهب اقتصادی، باثبات، کلی، راهبردی، انتزاعی و غیرانفعالی در برابر رفتار افراد است و به سه نوع ساختاری، راهبردی و هدف‌گذارانه قابل تفکیک است. این تحقیق، بر اثر ماندگار شهید صدر، *اقتصادنا*، مبتنی است تا از خطر تحلیل‌های انتزاعی فاقد پشتوانه در امان باشد.

۱. پیشینه

از آنجاکه بحث درباره جایگاه فرضیه در مذهب اقتصادی اسلام، از طرفی به جایگاه فرضیه در علوم انسانی و از سوی دیگر به جایگاه فرضیه در علوم اسلامی مرتبط می‌شود، این تحقیق، دو خاستگاه نظری دارد: یک، موقعیت فرضیه در فلسفه علم؛ دو، جایگاه فرضیه در فقه. تبیین این دو مبنا، دسترسی به پاسخ تحقیق را آسان می‌کند. در کتب فلسفه علم، به‌ویژه در کتبی که به طرح دیدگاه اثبات‌گرایان منطقی و ابطال‌گرایان پرداخته، دو دیدگاه رقیب درباره فرضیه تبیین شده است. در این زمینه می‌توان به کتاب *چیستی علم‌آلن چالمرز* (۱۳۷۴) مراجعه کرد. در کتب فقه، قواعد فقه، اصول فقه، فلسفه فقه، و در کتبی که به تبیین ارتباط فقه با عناوینی چون حکمت احکام، مصلحت، ملاک، مقاصد و سایر عناوین هم‌افق پرداخته است، تا حدودی رابطه فقه و فرضیه روشن شده است. شفیعی (۱۳۹۵) در کتاب *نظریه‌پردازی در فقه و اصول*، در قالب گفت‌وگو با جمعی از محققین، به تبیین رابطه فقه و نظریه پرداخته است. نگارنده، در مقاله «نظریه سیاستی در اقتصاد اسلامی» به تشریح ویژگی‌های نظریه سیاستی پرداخته که ضمن

آن، بین نظریات سیاستی و هنجاری مقایسه شده است (قاسمی اصل، ۱۳۹۸، ص ۱۶۳-۱۶۵). همچنین در پایان نامه بررسی و تحلیل جایگاه استقرار در روش شهید صدر در اقتصاد اسلامی، به مراحل کشف نظریه در مذهب اقتصادی اسلام پرداخته است (همان، ۱۳۹۳، ص ۳۴-۳۸).

در این بین، انتظار این است کتبی که به تبیین نظریه پردازی در اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند، به تبیین ویژگی‌های فرضیه در نظریه و نظریه پردازی در مذهب اقتصادی اسلام بپردازند. بنابراین، این تحقیق به دنبال تبیین جایگاه فرضیه، راه‌های کشف، ویژگی‌ها و انواع فرضیه در اقتصاد مذهبی اسلام است. تحقق این هدف دو پیش شرط دارد: یک، تعریف فرضیه و تبیین جایگاه و ضرورت آن؛ دو، تبیین نسبت فرضیه (و نظریه) با فقه به عنوان منبع و روش کشف نظریات مذهبی در اقتصاد اسلامی.

۲. فرضیه

فرضیه، حدس یا گمان اندیشمندانه‌ای درباره ماهیت، چگونگی و روابط بین پدیده‌ها، اشیا و متغیرهاست که محقق را در تشخیص نزدیک‌ترین و محتمل‌ترین راه برای کشف مجهول کمک نماید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۹۱). به لحاظ زبان‌شناختی، این رابطه به صورت حکم بیان می‌شود و قابلیت صحت و بطلان دارد (رجبی و شرف‌الدین، ۱۳۸۸، ص ۱۵۶). فرضیه علمی دارای ویژگی‌هایی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: فرضیه، متشکل از دو واژه معنادار است. واژه‌ها یا متغیرهای هر فرضیه را ربط‌های منطقی «اگر» و «آن‌گاه» به یکدیگر پیوند می‌دهند که بخش «اگر» می‌تواند شرط لازم یا کافی بخش «آن‌گاه» باشد. فرضیه به لحاظ زبانی، معمولاً با عبارت «به نظر می‌رسد» یا مضمونی شبیه به آن صورت‌بندی می‌شود. میزان و سطح شواهد و مستندات مورد نیاز برای تأیید یا رد هر فرضیه، تابع درجه کلیت و انتظارات پژوهشی خواهد بود. فرضیه‌ای که به استنتاج‌های مهم‌تر و بیشتری بینجامد، مفیدتر و نیرومندتر است. فرضیه علمی مناسب، فرضیه‌ای است که به شرایط و مفروضات کمتری نیاز دارد و از ساختار مفهومی ساده‌تر و صریح‌تری برخوردار است (همان، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸-۱۶۰).

۲-۱. جایگاه فرضیه

هر فرضیه مبتنی بر یک پرسش و هر پرسش مبتنی بر یک نیاز است. اگر احساس نیاز شود و منبع بالفعلی جهت تأمین آن نیاز وجود نداشته باشد، پرسش مطرح می‌شود؛ پرسشی که یا در صدد کشف منبع تأمین نیاز انسان یا در صدد تأمین فناوری تأمین نیاز انسان از منبع موجود یا در صدد یافتن منبع و فناوری هر دو است. پرسش باید دارای بیانی قابل فهم در محیط علمی باشد و بتوان جواب آن را با ابزارهای متناسب موجود پیدا کرد (هومن، ۱۳۹۱، ص ۸۸ و ۸۹).

پس از تحقق پرسش، فرضیه ممکن است از منابع گوناگونی چون مشاهده، مطالعات پیشین، الهام ناشی از انس با موارد پیشین، نظریات پیشین، فرضیات کلان و خود مسئله تحقیق به دست آید. بر حسب تفکیک دو مقام گردآوری و

داوری در فلسفه علم، آنچه مهم است، مقام داوری است و محقق ملزم به پاسخ به پرسش «از کجا آورده‌ای؟» نیست. بنابراین، منابع کشف فرضیه چندان اهمیت ندارد (شرف‌الدین و رجبی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲). تفاوت مشاهده منجر به ایجاد فرضیه و مشاهده منجر به تبدیل فرضیه به نظریه در این است که مشاهده نوع اول در مقام پیدا کردن پاسخ احتمالی برای مسئله تحقیق است؛ درحالی که مشاهده نوع دوم به دنبال کسب شواهد برای پذیرش یا نفی فرضیه است.

بعد از تحقق فرضیه، دانشمند نتایج فرضیه را استنباط می‌کند و به دلالت‌های ضمنی (آزمون‌پذیر) آن پی می‌برد (هومن، ۱۳۹۱، ص ۹۰). پس از مرحله استدلال و قیاس، محقق به بررسی شواهد و قرائن محتمل در دسترس می‌پردازد. این مشاهده و بررسی، به تأیید یا تضعیف فرضیه خواهد انجامید. بنابراین، قبل از فرضیه، احساس نیاز و پرسش، و بعد از فرضیه، قیاس، مشاهده و آزمون قرار دارد که اگر این مراحل با موفقیت طی شود، فرضیه در محیط علمی به درجه اعتبار می‌رسد و نظریه به دست می‌آید.

۲-۲. امتناع، ضرورت یا جواز فرضیه

در عالم پدیده‌های گوناگونی رخ می‌دهد که ناشی از عللی و منشأ آثاری است که نظریه از حیث ثبوتی نمایشگر چهارچوب حاکم بر آن پدیده است. نظریه در مقام اثبات، معرف دیدگاه، منظر و رویکرد محقق (نظریه‌پرداز) درباره چگونگی یا چرایی تحقق یک پدیده است. برای تحلیل پدیده‌های مختلف، به نظریه نیاز است (میرجلیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۳) که بتواند معین کند پدیده مورد نظر با چه سازوکاری و تحت تأثیر کدام علل یا دلایل رخ داده است. بر اساس قانون علیت و ضرورت سنخیت بین علت و معلول، هر پدیده‌ای از علت متناسبی ناشی می‌شود (مصباح، ۱۳۸۳، ص ۲۸ و ۶۸) و نفی ضرورت نظریه به این معنا، به نفی اصل علیت می‌انجامد.

روند رسیدن به نظریه «نظریه‌پردازی» نامیده می‌شود که مراحل و شرایط خاصی دارد. درباره جایگاه فرضیه در نظریه‌پردازی، دو دیدگاه رقیب وجود دارد که بر امتناع و ضرورت فرضیه تأکید دارد. دیدگاه سوم معتقد است: باید بین تحقیقات گوناگون تفکیک کرد اثبات‌گرایان منطقی و تأییدگرایان که متمایل به استقرائند. معتقد به امتناع فرضیه‌اند و ابطال‌گرایان که متمایل به روش قیاسی‌اند، معتقد به ضرورت فرضیه‌اند. در ادامه، توضیحی درباره دیدگاه‌های رقیب ارائه می‌شود.

۱. استقرائینی و نفی فرضیه: از نظر استقرائرایان، شروع علم از مشاهده آزاد و بی‌طرفانه حقایق آغاز می‌شود (بلاگ، ۱۳۸۷، ص ۴۲). مشاهده و استقرا است که منجر به کشف نظریه می‌شود (چالمرز، ۱۳۷۷، ص ۲۳؛ میرجلیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۷). فرانسویس بیکن به دانش و رشد علمی چنین نگاهی داشته است. در دیدگاه ایشان، فرضیه به صورت نظریه متولد می‌شود و دوگانگی بین فرضیه و نظریه صرفاً ذهنی و تحلیلی است. حداکثر اینکه فرضیه همان نظریه ضعیف است که با تداوم مشاهدات، تقویت و تثبیت می‌شود.

۲. الگوی فرضیه‌ای - قیاسی و ضرورت فرضیه: جریان مقابل، شامل حلقه وین، پراگماتیست‌های آمریکایی و ابطال‌گرایان، برای فرضیه اهمیت بی‌بدیل قائل‌اند (بلاگ، ۱۳۸۷، ص ۴۲؛ پوپر، ۱۳۶۳، ص ۱۴۱؛ چالمرز، ۱۳۷۷،

ص ۶۵). ایشان معتقدند که شروع حرکت علمی، از فرضیه است. در واقع، پس از اینکه محقق با استفاده از منابع گوناگون در دسترس به حدسی دربارهٔ جواب پرسش تحقیق رسید، نوبت به مشاهده در جهت آزمون می‌رسد که به تقویت یا تضعیف فرضیه خواهد انجامید. نتیجهٔ آزمون، اثبات، تأیید، ابطال یا پذیرش موقت فرضیه است.

۳. برخی از روش‌شناسان معتقدند که فرضیه در همهٔ تحقیقات ضرورت ندارد؛ زیرا طبق تحلیل ایشان، اولاً ضرورت فرضیه، مربوط به تحقیقاتی است که به تبیین روابط بین دو یا چند متغیر می‌پردازد و نوع و کیفیت این رابطه را تا حدودی روشن می‌کند. بنابراین، حالتی که در آن صرفاً توصیف صورت گیرد، نیاز به فرضیه نیست؛ ثانیاً فرضیه به تحقیق جهت می‌دهد و محقق را از حیرت خارج می‌کند. پس تحقیقاتی که در آن نوع کار محقق کاملاً مشخص و قطعی است، جای طرح فرضیه نیست؛ ثالثاً فرضیه به وجود یک پیشینه نیاز دارد که محقق را به صورت اجمالی به سمت یک هدف علمی هدایت می‌کند. بنابراین، در تحقیقات اکتشافی که هیچ پیشینه‌ای ندارد، نیاز به طرح فرضیه نیست؛ زیرا در این تحقیقات، داده‌های تجربی که طبق آن بتوان فرضیاتی بیان کرد، هنوز در دسترس محقق نیست. در چنین تحقیقاتی، بیان مسئلهٔ تحقیق کافی است. این شروط، از توجه به تعریف، فلسفهٔ وجودی و کاربرد فرضیه ناشی می‌شود (موسوی‌نسب، ۱۳۹۰، ص ۷-۱۲).

به نظر می‌رسد با رعایت چند نکته بتوان دیدگاه تفصیلی را پذیرفت:

۱. از سه نوع تحقیقی که در دیدگاه اخیر به تفصیل مورد قضاوت قرار گرفت، داشتن فرضیه در بررسی روابط بین متغیرهای یک پدیده، ضرورت دارد؛ زیرا روابط بین متغیرهای یک پدیده معمولاً درجه‌ای از ابهام را با خود دارد؛ چون روابط بین متغیرها ناظر به علیت و کشف مصداق علت است. علیت علتی خاص نسبت به معلولی خاص، با علم حضوری، بدهت عقل یا تجربهٔ حسی ادراک نمی‌شود؛ بلکه معقول ثانی فلسفی است که از مقایسه و بررسی به دست می‌آید (مصباح، ۱۳۸۳، ص ۱۷۷). بنابراین، نیاز به حدس دارد و هرچه نیازمند حدس باشد، موضع تحقق فرضیه است.

۲. در مورد تحقیقات اکتشافی، شایسته است بین فرضیهٔ مقدم بر تحقیق و فرضیه در روند تحقیق تفکیک کرد. اگر روند فعالیت علمی به دو بخش فرضی تقسیم شود، بخش اول تحقیق به شکل‌گیری فرضیه منجر می‌شود و بخش دوم به تثبیت، تعدیل یا رد فرضیه می‌انجامد. فرضیاتی که در روند تحقیق به وجود می‌آیند، در تحقیقات فاقد پیشینه (اکتشافی) و در تحقیقاتی از سنخ فقهی و کشفی (به اصطلاح شهید صدر) که محقق در آن به دنبال کشف دیدگاه اسلام از متون شریعت است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۴۳۱)، کاربرد دارد.

۳. به‌طور کلی، در همهٔ دانش‌هایی که نظریه از طریق تقویت احتمال تولید می‌شود و مبتنی بر علم حضوری یا بدیهیات عقلی نیست، نیاز به فرضیه وجود دارد تا مسیر حرکت علمی واجد درجهٔ مقبولی از ثبات شود و تحقیقات دچار پراکنده‌کاری نشود. بنابراین، در دانش‌های قیاسی و تحقیقاتی در دانش اقتصاد - که همچون کلاسیک‌ها، نئوکلاسیک‌ها و اتریشی‌ها مبتنی بر روش قیاسی انجام می‌شود - تا جایی که تکیهٔ استنباط صرفاً بر شهود یا بدیهیات (شامل اولیات و وجدانیات) و قیاس منطقی قرار دارد، اتخاذ فرضیه ضرورت ندارد؛ هرچند همین دانش‌های

قیاسی نیز در پذیرش مقدمات استدلال قیاسی، هر جا که متکی به روش استدلال مبتنی بر احتمالات و تجمیع شواهد و قرائن باشند، نیازمند اتخاذ فرضیه‌اند.

۴. شهید صدر موضوع دانش اصول فقه را «عناصر مشترک در استنباط» برمی‌شمرد. وی برای عنصر مشترک، سه مصداق را بر می‌شمرد: دلیل لفظی، یعنی دلیلی که از کلام شارع فهمیده می‌شود؛ دلیل برهانی، یعنی دلیلی که متکی به یک برهان عقلی عام است؛ و دلیل استقرایی، یعنی دلیلی که از جست‌وجو در حالات متعدد به دست می‌آید (صدر، ۱۴۲۱، ص ۱۳۶). وی دلیل استقرایی را به دو نوع «مباشر» که مستقیماً در فقه استفاده می‌شود و «غیرمباشر» که در اثبات ادله فقهات به کار می‌رود، تقسیم می‌کند (همان، ص ۲۰۱). انواع دلیل استقرایی و لفظی مبتنی و متکی بر تراکم ظنون و تقویت احتمالات به درجه اعتبار می‌رسد و دلیل برهانی نیز در احراز مقدمات برهان‌های فقهی، به همان روش ادله لفظی و استقرایی متکی است. بنا بر این تحلیل، در دانش‌های دینی نیاز به فرضیه موجه است؛ زیرا این دانش‌ها از طریق استنباط از نصوص شرعی به دست می‌آیند که عمدتاً مبتنی بر تراکم ظنون و تجمیع شواهد و قرائن متنی و تاریخی است و هدف فقیه، استظهار و دستیابی به اطمینان عرفی است.

۳. فرضیه در «فقه»

با شناختی که از جایگاه و ضرورت فرضیه به دست آمد، اکنون نوبت آن است که موقعیت فرضیه در منابع و مستندات مذهب اقتصادی اسلام بررسی شود. با اتخاذ الگوی روش کشفی و طبق دیدگاه شهید صدر، کشف نظریات مذهبی در اقتصاد اسلامی از یک الگوی پنج‌ضلعی تبعیت می‌کند که شامل مکشوف (نظریه مذهبی)، کاشف (فقیه اقتصاددان)، منبع کشف، مراحل کشف و مبانی کشف است (قاسمی، ۱۳۹۳، ص ۱۲-۴۲). طبق این تحلیل، کشف از دو منبع احکام شرعی و مفاهیم اسلامی به دست می‌آید که مبتنی بر دانش فقه است. بنابراین، لازم است به‌عنوان درآمد بحث درباره موقعیت فرضیه در مذهب اقتصادی اسلام، جایگاه فرضیه در دانش فقه بررسی شود.

۳-۱. ماهیت فقه و رابطه آن با فرضیه

فقه در معنای عام آن، به معنای عملیات استنباط و فهم عالمانه از دین است که بخشی از آن استنباط احکام شرعی متعلق به رفتار مکلفین از ادله است (شفیعی، ۱۳۹۵، ص ۳۰) که می‌توان از آن به فقه خاص تعبیر کرد. گاه مقصود از واژه فقه، دانش فقه است که برای خودش موضوع، محمول، غرض و... دارد. اصطلاح سوم فقه، نتایج به‌دست‌آمده از عملیات فقهات است (همان، ص ۱۱۵-۱۱۶). در مورد رابطه فقه و فرضیه، سه احتمال وجود دارد:

۱. در فقه ناچاریم که اول یک قضاوت بدوی داشته باشیم و بعد ببینیم که آیا حدس ما با شواهد، یعنی ادله، شامل کتاب، سنت و فتاوا، سازگاری دارد یا نه؟
۲. بدون مشاهده اولیه ادله نمی‌توانیم و نباید به قضاوت و طرح فرضیه بپردازیم؛ بلکه بعد از مشاهده و طرح فرضیه، نوبت به سنجش فرضیه و رسیدن به نظریه می‌رسد.

۳. اصلاً نیازی به طرح فرضیه نیست. در این فرض، صرفاً با بررسی شواهد، نظریه اسلامی به دست می‌آید. بررسی‌های بعدی نشان می‌دهد که احتمال دوم به صواب نزدیک‌تر است.

تحلیل فقهی معمولاً با طرح یک پرسش آغاز می‌شود. فقیه قبل از تخصص در ادله، به دنبال طرح فرضیه برای پاسخ نیست؛ بلکه پس از مراجعه به ادله، به یک پاسخ بدوی و اجمالی می‌رسد. فقیه پس از جرح و تعدیل پاسخ بدوی با شاخص‌ها و ملاک‌های اصولی و فقهی، به یک حکم فقهی دست می‌یابد. البته به نظر می‌رسد که فرضیه‌ای ضمنی همواره در ذهن فقیه وجود دارد؛ به‌ویژه فقهی که سابقه طولانی در کار با منابع و اقوال دارد. این فرضیه ضمنی را بر اساس مشاهدات قبلی در محیط فقه و شناخت اجمالی آرا و ادله، در ذهن خود دارد. این فرضیه ضمنی، در مرحله مراجعه تفصیلی، گاه تثبیت، گاه تعدیل و گاه به کلی مضمحل می‌شود.

۲-۳. مبنای کلامی التزام به فرضیه در فقه

جست‌وجوی نظریه در احکام فقهی و تبیین یک فرضیه درباره رابطه بین متغیرهای فقهی، نیازمند التزام به برخی مبانی کلامی است. اگر باور نداشته باشیم که مجموعه احکام دارای یک نظام واحد هدفمند است که توسط خدای حکیم بنا شده، تلاش برای تدوین نظریه و تبیین فرضیه، تلاشی بیهوده و بی‌حاصل خواهد بود (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۸-۳۷۹)؛ زیرا با رد وجود علت و حکمت برای احکام، نبود ملاک برای احکام شریعت و منتفی دانستن تبعیت احکام از مصالح و مفاسد نفس‌الامری، جایی برای پذیرش یک هسته سخت برای مجموع احکام فقهی نمی‌ماند. با انتفای علت، ملاک و مصلحت مرکزی در بین احکام، رشته ارتباط بین احکام گسسته می‌شود. با گسسته شدن ارتباط بین احکام (و بین ادله)، امکان طراحی و تدوین رابطه بین این احکام منتفی می‌شود. در این فرض، بحث از فرضیه در فقه، فاقد معنای موجه می‌گردد. بنابراین، پذیرش فرضیه، نظریه و نظریه‌پردازی در فقه، منوط به پذیرش مبنای کلامی - اعتقادی حکمت الهی در تشریح احکام هدفمند است؛ هدفی که در راستای کمال و تقرب انسان به سوی خداوند تعریف می‌شود. شایان توجه است که در محدوده، دلالت، شیوه کشف و نحوه اثبات حکمت و علت حکم، ملاک حکم، مقاصد شریعت، تبعیت احکام از مصالح و مفاسد و سایر موضوعات نزدیک به این مضامین، اختلاف نظرهایی وجود دارد (ر.ک: علی اکبریان، ۱۳۹۵، ص ۳۲-۱۳۳؛ ایازی، ۱۳۸۹؛ علیدوست، ۱۳۸۸). درهرحال، در اصل ابتدای فرضیه بر هدفمندی و حکمت الهی در تشریح احکام، جای تردید نیست.

۳-۳. زمینه‌های نیاز به فرضیه در فقه

در تحلیل اینکه چرا در مواردی احساس نیاز به طرح فرضیه در فقه، پررنگ‌تر است و در مواردی این نیاز چندان مشهود نیست، سه نکته در خور توجه است:

۱. به لحاظ تاریخی، می‌توان بین سه دسته پرسش تفکیک کرد:

یک - پرسش‌های دارای سابقه در زمان معصومین علیهم‌السلام که به همراه پاسخ آنها در قرآن و سنت آمده‌اند. مسائلی که در زمان ارائه نصوص شرعی مطرح شده و از معصومین علیهم‌السلام پاسخ گرفته‌اند، به دلیل عدم نیاز به حدس و تحلیل روابط بین متغیرهای فقهی، کمتر نیاز به طرح فرضیه و نظریه دارند.

دو - پرسش‌هایی که از زمان غیبت تاکنون مطرح شده و از طرف فقها پاسخ یافته‌اند. این پاسخ‌ها، مبتنی بر ضوابطی است که از ادله اصطیاد شده‌اند. این پرسش‌ها معمولاً به کشف قواعد فقهی منصوص یا شکل‌گیری قواعد فقهی اصطیادی می‌انجامند.

سه - پرسش‌های نوظهور در هر عصر.

کار فقهی مربوط به دسته اول، از دو دسته اخیر به نسبت کم‌چالش‌تر است و کمتر نیاز به طرح فرضیه دارد؛ اما هرچه به پیش می‌رویم، نیاز به طرح فرضیه و کشف قاعده در فقه بیشتر احساس می‌شود.

۲. عدم احساس نیاز به فرضیه و نظریه، مربوط به حوزه عمل فردی است. اگر فقیه در حوزه نظری و در جهت شناخت دیدگاهی جامع از اسلام و برای دستیابی به نظام احکام اسلامی فعال باشد، در ضمن این احکام نیز به طرح فرضیه و کشف نظریه می‌پردازد.

۳. شاید بتوان گفت: هر جای فقه که امور تبعیدی پررنگ‌تر باشد، ضرورت طرح فرضیه و جست‌وجوی نظریه کم‌رنگ‌تر است و برعکس. از باب مثال، فقهی را تصور کنید که در باب «طهارت» به اجتهاد مشغول است؛ چنین شخصی می‌تواند سرتاسر کتاب طهارت را بدون طرح یک فرضیه طی کند؛ اما همین فقیه در باب معاملات خود را درگیر با مباحث نوظهور و عقلایی می‌بیند که ناچار به طرح یا شناخت فرضیاتی درباره ضوابط شرعی و قواعد رفتار عقلایی است.

۴-۳. فرضیه، مسئله فقهی و قاعده فقهی

شایان توجه است که با وجود مسئله‌محوری که از ابتدا بر فقه حاکم بوده است (صدر، ۱۴۲۱، ص ۲۱)، فقها از تبیین ضوابط و قواعد حاکم بر احکام غافل نبوده‌اند. تاریخ فقه نشان می‌دهد که فقها همواره در صدد کشف و ضبط قواعد و ضوابط فقه در قالب قواعد فقهی و اصولی بوده‌اند. برای مثال، می‌توان به کتاب *القواعد و الفوائد* اثر شهید اول، کتاب *عوائد الایام* اثر محقق نراقی (۱۴۱۷ق)، کتاب‌های متعدد قواعد فقهی از اندیشمندان معاصر، همچون *القواعد الفقهیه آیت‌الله مکارم* (۱۳۹۰)، مراجعه کرد. این ضابطه‌سازی در دو حوزه روش‌شناختی (اصول فقه) و محتواسناختی (قواعد فقهی) بروز یافته است. هرچند حجم کار انجام‌شده در اصول فقه بیشتر از کار در قواعد فقهیه بوده است، اما امروزه با توجه به احساس نیاز به شناخت نظام‌های حاکم بر احکام شرعی (صدر، ۱۴۲۱، ق، الف، ص ۲۰)، گرایش به تحلیل‌های محتواسناختی، در قالب طرح نظریه، بیشتر احساس می‌شود.

قاعده فقهی در اصطلاح رایج، از حیث کلی بودن و ارائه ضابطه، به نظریه فقهی نزدیک است؛ هرچند تفاوت‌هایی نیز بین قاعده فقهی و نظریه فقهی وجود دارد (شفیعی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۹-۳۷۰). در مورد تفاوت نظریه با

قاعده فقهی، برخی معتقدند: برای قاعده فقهی، دلیل ارائه می شود و سپس در پاسخ به مسائل فقهی، به قاعده استناد می شود؛ درحالی که نظریه از درون منابع دیگر بیرون می آید؛ وجه مشترک بین دلایل است و قابل استناد نیست (همان، ص ۲۱۴). طبق این برداشت، نظریه حکمت حکم، و قاعده علت حکم را بیان می کند. بنابراین، اگر دیدگاه برآمده از نظریه تفتیح و علت حکم کشف شود، نظریه تبدیل به قاعده می شود. طبق این دیدگاه، نظریه برزخ بین مسئله فقهی و قاعده فقهی است.

طرح فرضیه در فقه معاصر مصادیق زیادی ندارد. تلاش های شیخ انصاری (۱۴۱۱ق) در مکاسب و محمد جواد مغنیه (۱۴۲۱ه.ق) در فقه الامام الصادق^{علیه السلام} را می توان تلاش هایی در این جهت دانست.

۴. فرضیه در «مذهب اقتصادی اسلام»

با توجه به شناختی که از مفهوم فرضیه ایجاد شد، فرضیه در مذهب اقتصاد هنجاری اسلامی را می توان حدس یا گمان اندیشمندانهای دانست که درباره ماهیت، چگونگی و روابط بین پدیده ها و متغیرهای اقتصادی مذهبی در اندیشه اسلامی مطرح می شود و محقق را در تشخیص نزدیک ترین و محتمل ترین راه برای کشف نظریات مذهبی اسلام در حوزه اقتصاد کمک می کند.

۴-۱. جایگاه فرضیه در مذهب اقتصادی اسلام

از آنجاکه دسترسی به نظریه در مذهب اقتصادی اسلام از سنخ کشف است و نه ایجاد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۶۹-۳۷۲)، بنابراین رسیدن به فرضیه نیازمند استناد و اتکا به دسته ای از شواهد درون دینی است تا اینکه محقق دچار تفسیر به رأی و تحمیل دیدگاه خود بر شریعت نشود. محقق، پس از دسترسی به این مجموعه شواهد، می تواند با استفاده از قواعد فهم متن - که در دانش اصول فقه فراهم آمده است - به حدس اولیه ای درباره نظریه مذهبی اسلام برسد. این حدس اولیه، فرضیه تحقیق مذهبی خواهد بود.

برخی نظریات مذهبی، در منابع شریعت به طور صریح مطرح شده است (صدر، ۱۴۲۴ه.ق، ص ۴۵-۵۶). صرف نظر از نظریات صریح، می توان برای کشف نظریات استنباطی در مذهب اقتصادی اسلام دو مسیر را طی کرد که عکس یکدیگر عمل می کند:

۱. کشف مستقیم: شهید صدر در *اقتصادنا*، با جمع آوری مجموعه ای از احکام شرعی مربوط به مذهب اقتصادی اسلام، به کشف نظریه مذهبی اقدام کرده است. وی در کنار احکام شرعی، اصطلاح مفاهیم را تعریف می کند که به معنای هر فکر یا برداشت اسلامی است که یک واقعیت خارجی، اجتماعی یا قانونی را تفسیر می کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۶). مفاهیم، منجر به رد یا پذیرش فرضیه های ناشی از تجمیع احکام شرعی می شود.

۲. کشف معکوس: می توان با انتخاب مفهوم یا مفاهیم هم سنخ، به یک نظریه مذهبی نزدیک شد و برای

اینکه نظریه از حالت انتزاعی محض جدا شود، آن را با احکام مربوط محک زد تا به نظریه مذهبی دست یافت. کشف معکوس، برخلاف کشف مستقیم، از مفاهیم به فرضیه می‌رسد و با سنجۀ احکام به نظریه می‌رسد. بنابراین، بسته به اینکه برای دستیابی به نظریه مذهبی از کشف مستقیم یا معکوس استفاده شود، فرضیه بعد یا قبل از شواهد قرار خواهد گرفت. در کشف مستقیم، با مشاهده احکام شرعی، فرضیه، و با سنجش مفاهیم، نظریه به دست می‌آید؛ در حالی که در کشف معکوس، با کمک مفاهیم، فرضیه به دست می‌آید؛ سپس با مشاهده احکام شرعی، فرضیه تقویت، تعدیل یا تضعیف می‌شود.

با توجه به کشفی بودن روش دستیابی به نظریه در مذهب اقتصادی اسلام و دو مرحله‌ای بودن آن، از نظر روش‌شناختی ضرورت دارد که پس از مرحله اول کشف، محقق به فرضیه دست پیدا کند تا بتواند در مرحله دوم، به سنجش، ارزیابی و آزمون آن بپردازد. همچنین مطابق آنچه در بحث «امتناع، ضرورت یا جواز فرضیه» مطرح شد، برخلاف دیدگاه اثبات‌گرایان منطقی، در تحقیقاتی که غیرحسی و مبتنی بر حدس است یا رابطه بین متغیرها را بررسی می‌کند، فرضیه ضرورت دارد؛ تا از تحیر محقق و جامعه علمی جلوگیری شود و در تلاش علمی صرفه‌جویی گردد (موسوی‌نسب، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

۲-۴. کشف و آزمون فرضیات مذهبی در اقتصاد اسلامی

می‌توان برای فرضیه‌ای که در مورد دیدگاه شریعت اسلامی دربارهٔ هنجارهای اقتصادی مطرح می‌شود، مراحل را ترسیم کرد. بدیهی است که مقدم بر این مراحل، باید پرسشی متناظر مطرح شده باشد که فرضیه پاسخ‌حدهی و احتمالی آن محسوب می‌شود. همچنین بعد از کشف فرضیه، نوبت به آزمون فرضیه می‌رسد که در کشف مستقیم با استفاده از مفاهیم اسلامی، طبق اصطلاح شهید صدر (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۶-۳۷۹) انجام می‌گیرد. البته ممکن است شخص قبل از بررسی احکام شرعی، فرضیه و حدس خود را مطرح کند که در این صورت، بررسی احکام شرعی نیز جزئی از آزمون فرضیه محسوب شود. ارائه فرضیه قبل از بررسی شواهد (احکام شرعی)، از آنجاکه خطر ارتکاب تفسیر به رأی را به دنبال دارد، چندان موجه به نظر نمی‌رسد. در ادامه، مراحل پنج‌گانه کشف فرضیه (تجمیع، تفکیک، ترجیح، تدوین و ترکیب) که از روئے شهید صدر در *اقتصادنا* اصطیاد شده است، مطرح می‌شود:

مرحله اول: تجمیع احکامی که شأنت جهت‌گیری اقتصادی اسلام را در خود دارد.
مرحله دوم: تفکیک احکام اقتصادی مذهبی از غیر مذهبی. این احکام - که طبیعتاً در مباحث فقه معاملات موجودند - همه احکام معاملات نیستند. دسته‌ای از این احکام، اگرچه صیغه مالی دارد، در جهت‌گیری مذهبی اقتصاد اسلامی دخالتی ندارد و رونمایی برای زیربنای مذهب اقتصاد اسلامی نیست. این عدم دخالت، ممکن است ناشی از این دلیل روش‌شناختی باشد که آن حکم مالی بین همه مذاهب مشترک است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۵)؛ مثلاً حکم «حرمت غش»، چون بین همه مذاهب مشترک است، دلالتی بر دیدگاه اختصاصی اسلام ندارد؛ اما حکم «حرمت ربا» از ویژگی‌های مذهب اقتصادی اسلام است و از جهت‌گیری اسلام دربارهٔ توزیع ثروت حکایت می‌کند (همان).

مرحله سوم: ترجیح از بین فتاویٰ معارض؛ زیرا بخش قابل توجهی از احکام، اختلافی است و کاشف باید از بین آنها یکی را که ترجیح دارد، انتخاب کند. همه فتاویٰ مخالف در یک مسئله، که با روش صحیح شرعی استنباط شده‌اند، قابل استناد به شریعت‌اند و در این جهت بین فتوای شخص و فتوای دیگری تفاوتی نیست (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۹۴-۴۰۱).

ضرورت انتخاب فتوای دارای ترجیح - که شاید با فتوای شخص کاشف نیز مغایر باشد - از این واقعیت ناشی می‌شود که عرصه «فقه فتوایی» عرصه عمل است و اگر مجتهد به خطا برود، چون تلاش روشمندی داشته، در محضر الهی معذور است؛ اما عرصه «فقه نظریه» و کشف نظریه مذهبی، عرصه شناخت حقیقت نظام فکری اسلام است. بنابراین، اگر فتوای کاشف با نظریه مذهبی محتمل ناسازگار باشد، یا فتوا اشتباه است و نظریه درست، که باید در شناخت نظریه مذهبی به فتوای دیگری استناد کند؛ یا فتوا درست است و نظریه قیدی دارد که برای کاشف مجهول است. بر اساس فرض دوم، کاشف با بقای بر فتوای خود، از کشف نظریه صرف نظر می‌کند. بنابراین، رجوع به فتوای دیگران، ضرورتی است که از انسداد در مسیر کشف نظریه مذهبی ناشی می‌شود (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۹۷-۴۰۰).

ایشان در بیان معیار گزینش یک فتوا بر فتوای دیگر، پنج معیار برمی‌شمارد: ۱. قوی‌ترین عنصر در آن بحث مکتبی باشد؛ ۲. بر حل مشکلات اقتصادی زندگی توانا تر باشد؛ ۳. در تحقق اهداف عالی اسلامی توانمندتر باشد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۹۴)؛ ۴. انسجام داشته باشد؛ یعنی از بین فتاوا آن فتوایی را برگزینیم که با مجموعه انسجام و سازگاری داشته باشد؛ ۵. تسهیل؛ یعنی آن فتوایی که عملیات اکتشاف را با آسانی مواجه کند و دچار گره و دشواری نکند (همان، ص ۴۰۰).

مرحله چهارم: تدوین احکامی که از دو صافی مذهبی بودن و ارجحیت با موفقیت گذشته باشد. تدوین به معنای ایجاد ترتیب منطقی بین احکام است.

مرحله پنجم: ترکیب بین احکام. عملیات ترکیب به معنای استفاده مدلول التزامی و مشترک بین همه احکام است (همان، ص ۳۷۵).

این برداشت مشترک و التزامی، یک برداشت اولیه و خام است و هنوز قابلیت استناد به مذهب اقتصادی اسلام را ندارد (قالسمی، ۱۳۹۳، ص ۴۵-۴۸). تا این مرحله، فرضیه کشف شده است و اکنون باید فرضیه در معرض آزمون واقع شود. آزمون صحت برداشتی که از مجموع احکام شرعی شده، منوط به انطباق و سازگاری این برداشت با مفاهیم اسلامی است؛ چنان که در بحث کشف مستقیم مطرح شد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۸-۳۷۹). شناخت مفاهیم، در کشف مستقیم به معنی فراهم شدن ابزار آزمون فرضیه و در کشف غیرمستقیم به معنی شناخت فرضیه است. بنابراین، در ادامه مقصود شهید صدر از مفهوم، نحوه تحقق و کیفیت کشف آن بررسی می‌شود.

۳-۳. نحوه تحقق و کیفیت شناخت «مفاهیم»

شهید صدر، معتقد است «مفاهیم» جزء مهمی از فرهنگ اسلامی را تشکیل می‌دهد. طبق نظر وی، مفاهیم دیدگاه‌ها و تصوراتی است که اسلام برای تفسیر و تبیین یک واقعیت وجودی یا اجتماعی یا تشریحی ارائه می‌دهد.

شهید صدر، دو جا در اقتصادنا به تشریح مقصود خود از مفاهیم پرداخته و ضمن آن، جایگاه، نحوه تحقق و کارکردهای مفاهیم را تشریح کرده است:

۱. ذیل بحث از اینکه اقتصاد اسلامی، جزئی از یک کل مترابط است و تحقق آن در ضمن تحقق سایر اجزا ممکن است «الاقتصاد الاسلامی جزء من کل» (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۹۳). وی در این بخش که در صدد ترسیم کیفیت تحقق جامعه اسلامی است، سه عنصر کلیدی در شکل‌گیری زمینه جامعه اسلامی را عقیده، مفاهیم و عواطف برمی‌شمارد: یک. عقیده، قاعده مرکزی در اندیشه اسلامی است که دو عنصر دیگر حول آن شکل می‌گیرد و دیدگاه اساسی مسلمان نسبت به هستی را نشان می‌دهد؛ مثل عقیده «توحید».

دو. مفاهیمی که زاویه دید اسلام را نسبت به اشیاء پدیده‌ها و حقایق هستی نشان می‌دهد و ذیل دیدگاه کلی که عقیده ایجاد کرده، شکل می‌گیرد؛ مثل مفهوم «تقوا»، یعنی مراقبت از خود در محضر خدا. بنابراین، مفهوم اسلامی «تقوا»، نسبت به مفهوم «خودمراقبتی» با واقعیت سازگارتر، دارای حوزه عملکرد وسیع‌تر و دارای ضمانت اجرای مطمئن‌تر است. سه. عواطف و احساساتی که اسلام بنا دارد آن را در یکایک افراد جامعه ترویج و تثبیت کند. این عواطف، ممکن است نسبت به خداوند، سایر مردم و سایر مخلوقات ابراز شود. این عواطف، ناشی از ادراک و جوشش خاصی است که از نفس انسان مسلمان و در نتیجه مفهومی که از اشیاء در ذهن دارد، ناشی می‌شود و گرایش عاطفی مثبت یا منفی وی را نسبت به آن شیء برمی‌انگیزد؛ مثلاً در نتیجه عقیده «توحید» و مفهوم «تقوا»، احساسات و عاطفی چون تجلیل و تکریم نسبت به تقوا و متقین به وجود می‌آید.

بنابراین، عقاید منجر به مفاهیم و مفاهیم منجر به عواطف می‌شود (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۹۴). شهید در این فرازها، به تشریح جایگاه و کیفیت تحقق مفاهیم اسلامی پرداخته است.

۲. ذیل بحث از عملیات کشف مذهب، نقش مفاهیم در عملیات کشف را مطرح می‌کند «المفاهیم تساهم فی العملیه» (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۶). مفاهیم، متصدی تشریح دیدگاه و زاویه دید اسلام است و مشتمل بر احکام شرعی نیست. بخشی از مفاهیم که درباره زندگی اقتصادی نظر دارد و پدیده‌های اقتصادی یا احکام شرعی مربوط به اموال را تبیین و تفسیر می‌کند، در کشف مذهب کمک می‌کند (همان، ص ۳۷۷). مفاهیم، دو کاربرد اساسی یکی در تصحیح فهم ما از مضمون ادله و احکام شرعی و دیگری در ایجاد قواعدی برای عملکرد ولی‌امر در سیاست‌گذاری در منطقه‌الفراغ دارد (همان، ص ۳۷۸-۳۷۹).

براساس کلام شهید صدر، شناخت مفاهیم اسلامی، از سه مسیر ممکن است:

۱. شناخت مفاهیم از احکام، با حرکت از احکام به مفاهیم، یعنی با کشف مفهوم اسلامی از مجموعه احکام شرعی و آزمون آن با مفهومی بالادستی که اعتبار آن پیشتر ثابت شده باشد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۸۲). درواقع، هر مفهوم اسلامی، نظریه‌ای است که با روش کشفی قابل دستیابی است. طبیعتاً، اولی‌ترین و پایه‌ای‌ترین مفهوم (با

مفاهیم) اسلامی را نمی‌شود به روش کشفی به دست آورد؛ زیرا فرض این است که مفهومی بالاتر از آن وجود ندارد که بتوان براساس آن صحت برداشت خود را آزمون کنیم. اینکه «آن مفهوم پایه‌ای چیست؟» می‌تواند موضوع تحقیقی مستقل باشد (همان).

۲. شناخت مفاهیم از عواطف، با حرکت از عواطف به مفاهیم، یعنی براساس اینکه اسلام برخی عواطف را برای افراد مسلمان ترجیح داده، به دلالت التزامی درمی‌یابیم که شکل‌گیری عاطفه «ع»، جز با وجود مفهوم «م» قابلیت تحقق ندارد. مثلاً جمع عواطفی چون «عدم تعلق به مال» و «عدم اسراف و تبذیر مال» نتیجه می‌گیریم که مفهوم مالکیت در اسلام، «استخلاف و استیمان» است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۹۴).

۳. شناخت مفاهیم از عقاید، با حرکت از عقاید به مفاهیم، یعنی اسلام مبتنی بر مجموعه‌ای از عقاید بنیادین است و این عقاید در عرصه اندیشه و عمل، اقتضات و لوازمی دارد که بدون تحقق آن لوازم، عقیده بی‌اثر و خنثی می‌شود. مثلاً پذیرش عقیده «توحید»، اقتضا می‌کند که تصور انسان مسلمان از مالکیت، مالکیت مطلق و بدون مرز نیست بلکه مالکیت در واقع، نوعی جانشینی، امانت‌داری و استعمار انسان در مال است که این مفهوم ذهنی دارای برخی لوازم عاطفی است که در عمل بروز می‌کند: شیرینی استفاده از نعمات چون متعلق به خدا است، زهد، یعنی عدم دلبستگی چون متعلق به ما نیست، صرفه‌جویی در مصرف چون امانت است و پرکاری و استحصال چون او دستور داده است. دو روش اخیر، از فراز اول کلام شهید صدر در تشریح جایگاه و نحوه تحقق مفاهیم اسلامی قابل اصطیاد است.

۳-۴. ویژگی‌های فرضیات مذهبی در اقتصاد اسلامی

فرضیه‌ها و نظریات مذهبی، دارای هفت ویژگی مشترک است:

۱. وابسته به نظام فکری مستقل و جامع اسلام است. اقتصاد مذهبی، مستقیماً از نظام فکری ارتزاق می‌کند؛ درحالی‌که اقتصاد سیاستی با واسطه اقتصاد مذهبی از نظام فکری متأثر می‌شود.
۲. حاوی دیدگاهی اقتصادی است. این ویژگی، فرضیه‌های اقتصادی را از فرضیه‌های مذهبی غیراقتصادی متمایز می‌کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۹۴).
۳. به صورت مستقیم، حاوی دیدگاه هنجاری و ارزشی شریعت است. این ویژگی، فرضیه مذهبی را از فرضیات علم اقتصاد جدا می‌کند؛ زیرا اگرچه پدیده‌های اقتصادی متأثر از هنجارهای گوناگون است، اما مضمون مستقیم نظریه علمی از رابطه اثباتی یا نفیی بین دو متغیر خبر می‌دهد.
۴. ثبات دارد و مقطعی نیست؛ زیرا ناشی از ویژگی‌های ثابت حیات انسان و از سنخ احکام ثابت شریعت است. برخلاف اقتصاد مذهبی، اقتصاد سیاستی، راهکارها و سازوکارهایی زمان‌مند است. تقسیم احکام شریعت به ثابت و متغیر (فرهنگ‌نامه اصول فقه، ص ۱۰۷ و ۱۱۴)، ناشی از نیازهای ثابت و متغیر (طباطبائی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۰؛ مطهری، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷۷) و منشأ شکل‌گیری گزاره‌های مذهبی و سیاستی در اقتصاد اسلامی است.

۵. در حوزه معین، کلیت و شمول دارد. اقتصاد مذهبی، کلی و در نتیجه ذهنی است. آنچه در خارج محقق می‌شود، اقتصاد سیاستی است که محقق‌کننده یا به دنبال تحقق مذهب اقتصادی است.

۶. فرضیه در اقتصاد مذهبی، انتزاعی و طالب تطبیق است. سیاست‌های اقتصادی، عینی است و نظریه مذهبی اقتصادی را در وضعیت‌های گوناگون تحقق می‌بخشد.

۷. زمینه‌ای و نهادساز است؛ یعنی رفتارهای اقتصادی مردم، مشروط و مقید به دیدگاه‌های مذهبی اقتصادی است که پذیرفته‌اند (ر.ک: قاسمی‌اصل، ۱۳۹۸، ص ۱۶۳-۱۶۵).

۴-۴. انواع فرضیه مذهبی در اقتصاد اسلامی

فرضیات و نظریات اقتصاد مذهبی را می‌توان در سه نوع ساختارها، راهبردها و اهداف دسته‌بندی کرد. قبل از تبیین مفهوم مورد نظر از این سه دسته، آنها را در قالب یک مثال تبیین می‌کنیم. بازی شطرنج را تصور کنید. در تحلیل این بازی، با سه نوع گزاره مذهبی، علمی و سیاستی مواجه می‌شویم:

۱. گزاره سیاستی در پاسخ به این پرسش شطرنج‌باز مطرح می‌شود که «الآن چه حرکتی مناسب است؟» و کارشناس شطرنج مثلاً پاسخ می‌دهد: «اکنون بسیار بجاست که مهره اسب حرکت کند».

۲. گزاره علمی همان جملات اخباری و حکایتی است که گزارشگر بازی از رفتارهای دو طرف ارائه می‌دهد و مثلاً می‌گوید: «اکنون بازیگر الف مهره اسب خود را حرکت داد». اگر گزارشگر با بازی شطرنج آشنا باشد، به تبیین چرایی این حرکت و پیش‌بینی حرکات بعدی می‌پردازد.

۳. در کنار این دو نوع گزاره، نوع سوم گزاره‌هایی وجود دارد که در آن هنجارهای بازی مطرح می‌شود. به این سه گزاره توجه کنید:

الف. برخی گزاره‌ها بایدها و قراردادهایی است که ساختار بازی شطرنج را ترسیم می‌کند؛ برای مثال: «بازی شطرنج یک بازی دونفره است که در یک صفحه هشت در هشت اجرا می‌شود و هر بازیگر شانزده مهره در اختیار دارد که...». این گزاره‌ها پس از تحقق ابزار و بازی شطرنج، در قالب واقعیات و گزاره‌های اثباتی و علمی قابل ارائه است.

ب. برخی گزاره‌ها، راهبردهای بازی شطرنج را توضیح می‌دهد؛ برای مثال: «بازیگر هرچه می‌تواند باید به حریف، به‌ویژه به مهره شاه، نزدیک شود»؛ یا «بازیگر تا می‌تواند باید مهره‌های خود را حفظ و مهره‌های حریف را از گردونه بازی خارج کند».

ج. دسته‌ای از گزاره‌ها، اهداف بازی شطرنج را نشان می‌دهد؛ برای مثال: «هدف بازی شطرنج پیروزی بر حریف است که در سطح نهایی منجر به مات شدن مهره شاه حریف و در درجه دوم (و به‌عنوان مقدمه) کیش شدن مهره شاه است. اگر چنین هدفی محقق نشود، حداقل پیروزی این است که مهره‌های اخراجی حریف بیشتر باشد».

نظریات مذهبی در اقتصاد و سایر دانش‌های انسانی نیز حاوی این سه نوع گزاره است. برخی از فرضیه‌های اقتصاد مذهبی از سنخ ساختارهاست. مقصود از ساختار، اموری است که برای فعالیت انسان، محیط، شکل و قالب

ایجاد می‌کند و دامنه مجاز حرکت را تعیین می‌نماید. فرضیه‌های توزیع قبل از تولید، تولید، توزیع بعد از تولید، تولید و ضمان اجتماعی از سنخ ساختارهاست (صدر، ۱۳۸۲). در علم اقتصاد، سازوکارهای تحقق این ساختارها تبیین می‌شود و درباره عملکرد آینده آن پیش‌بینی می‌شود. ترسیم سازوکارهای مربوط، وظیفه اقتصاد‌سیاستی است. در افقی بالاتر، ایجاد دو منطقه واجد احکام الزامی و فارغ از احکام الزامی در شریعت اسلامی، و سپردن تدبیر منطقه‌الفراغ به دست ولی فقیه (همان، ص ۳۸۰ و ۶۸۵)، ساختار اولیه‌ای است که در ضمن آن، ساختارهای ثانویه، در منطقه واجد احکام الزامی، و سیاست‌های اقتصادی، در منطقه‌الفراغ شکل می‌گیرد.

برخی فرضیه‌های مذهب اقتصادی، از سنخ تعیین راهبردهای اقتصادی است. مقصود از راهبرد در اینجا، جهت‌گیری و ذهنیت کلی است که دیدگاه‌های یک مذهب اقتصادی را توجیه می‌کند و نشان می‌دهد که آن مذهب، برای تحقق اهدافش، چه ساختارهایی را پیشنهاد می‌دهد. شهید صدر وجود آزادی در محدوده معین و تنوع در منشأ مالکیت را از اصول مکتب اقتصادی اسلام می‌شمارد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۸۱ و ۲۸۴). این دو اصل را می‌توان از راهبردهای اقتصادی دائمی اسلام برشمرد.

برخی از فرضیه‌های اقتصاد مذهبی، از نوع تعیین اهداف تغییرناپذیر اقتصاد اسلامی است که اسلام همه تلاش‌هایش را در راستای تحقق آن به کار می‌گیرد. شهید صدر عدالت اجتماعی را سومین اصل مذهب اقتصادی اسلام برمی‌شمارد (همان، ص ۲۸۸) و ایجاد توازن در جامعه را از وظایف دولت اسلامی می‌داند (همان، ص ۶۷۱) که از سنخ هدف‌گذاری دائمی و کلی است. این اصل، برخلاف دو اصل آزادی محدود و تنوع مالکیت، ناظر به اهداف است، نه راهبردها.

اهداف، جزء مبادی و پیش‌فرض‌های اقتصاد اثباتی است؛ اما در اقتصاد سیاستی، همچون اقتصاد مذهبی، اهداف معمول یا موضوع گزاره‌ها و مسائل قرار می‌گیرد؛ با این تفاوت که هدف در اقتصاد مذهبی کلی، و در اقتصاد سیاستی جزئی است. به بیان دیگر، اهداف اقتصاد سیاستی، به اهداف اقتصاد مذهبی تحقق و عینیت می‌بخشد. این عینیت‌بخشی، ممکن است به دو صورت باشد:

۱. رابطه هدف سیاست اقتصادی با هدف اقتصاد مذهبی، رابطه کل و جزء، و به تعبیر اصولیون، از سنخ عام مجموعی است (آخوندخراسانی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۱۶)؛ یعنی هدف اقتصاد سیاستی، یک جزء از اجزا هدف اقتصاد مذهبی است که در کنار سایر اجزای، هدف اقتصاد مذهبی را به صورت کامل تحقق می‌بخشد؛ اما تحقق هر جزء به معنای تحقق هدف مدنظر نیست.

۲. رابطه هدف سیاست اقتصادی با هدف اقتصاد مذهبی، رابطه کلی و فرد، و به تعبیر اصولیون، از سنخ عام استغراقی است (آخوندخراسانی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۱۶)؛ یعنی هدف اقتصاد سیاستی، یک فرد از افراد هدف اقتصاد مذهبی است که با تحقق آن، کسری از هدف مذهب محقق شده است.

نظریات و فرضیات مذهبی اقتصاد اسلامی در سه سطح و با سه کاربرد متفاوت و هم‌افزا شکل گرفته است. اهداف در مرکز این فرضیات قرار دارد. این اهداف، هسته سخت اندیشه اسلامی درباره اقتصاد است و برای اسلام موضوعیت دارد. راهبردها در درجه دوم اهتمام قرار دارد و ناشی از هدف‌گذاری اقتصادی اسلام است. ساختارها در

درجه سوم اهمیت قرار دارد و ناشی از هدف‌گذاری و راهبردهای اقتصادی اسلام است. ساختارها نسبت به راهبردها، و راهبردها نسبت به اهداف، راه و ابزار به شمار می‌روند.

نتیجه‌گیری

سؤال درباره جایگاه، ویژگی‌ها و انواع فرضیه‌ها در مذهب اقتصادی اسلام، زمینه‌ساز طرح این تحقیق شد. این پرسش، از دو جهت پررنگ‌تر می‌شد: از یک سو، در فلسفه علم جایگاه و ضرورت فرضیه مورد اختلاف است؛ از دیگر سو، مذهب اقتصادی اسلام وابسته به شریعت و فقه اسلامی است و جایگاه فرضیه در فقه اسلامی چندان واضح نیست. در این تحقیق، پس از تعریف فرضیه و بررسی اجمالی جایگاه و ضرورت آن در فلسفه علم معاصر، درباره جایگاه طرح فرضیه در فقه متعارف مطالبی مطرح شد که تعیین‌کننده دامنه مشروعیت بحث از فرضیه در مذهب اقتصادی اسلام است. فرضیه گزاره‌ای است که پاسخ احتمالی یک پرسش تحقیقی است و در مورد رابطه بین متغیرهای محتمل قضاوت می‌کند. تحقیق، زمانی امکان طرح فرضیه دارد که رابطه بین متغیرهای محتمل، دچار ابهام مطلق یا دارای وضوح کامل نباشد.

در بحث رابطه فقه و نظریه، سه عامل در پر رنگ شدن ضرورت طرح فرضیه مؤثر است: نوظهور بودن مسئله فقهی مورد بررسی؛ عقلایی بودن و تعددی نبودن مسئله فقهی؛ و ضرورت‌های علمی و فراققه‌ای، که نیاز به طرح نظریه و نظام برای شریعت را تقویت می‌کند. در فقه، بدون مشاهده اولیه نمی‌توانیم و نباید به قضاوت و طرح فرضیه بپردازیم؛ بلکه بعد از مشاهده و طرح فرضیه، نوبت به سنجش فرضیه و رسیدن به نظریه می‌رسد. در مذهب اقتصادی اسلام، فرضیه، حدس اندیشمندانه‌ای است که درباره ماهیت، چگونگی و روابط بین پدیده‌ها و متغیرهای مذهب اقتصادی در اندیشه اسلامی مطرح می‌شود. فرضیه در جریان کشف مستقیم یا معکوس، از احکام یا مفاهیم به دست می‌آید.

فرضیه در مذهب اقتصادی اسلامی، هفت ویژگی مشترک دارد: ۱. وابسته به نظام فکری مستقل و جامع اسلام است که در حوزه‌های مختلف معرفتی، فلسفی و اجتماعی دارای نظریه ویژه است؛ ۲. حاوی دیدگاهی اقتصادی است؛ ۳. به صورت مستقیم، هنجارها و ارزش‌های شریعت را در خود دارد؛ ۴. ثبات دارد و مقطعی نیست؛ زیرا ناشی از ویژگی‌های ثابت حیات انسان و از سنخ احکام ثابت شریعت است؛ ۵. در حوزه معین، کلیت و شمول دارد؛ ۶. انتزاعی و طالب تطبیق است؛ ۷. زمینه‌ای و نهادساز است؛ یعنی رفتارهای انسان، مشروط و مقید به این فرضیات است، نه اینکه فرضیه مقید به تحقق رفتار مردم باشد.

فرضیات مذهبی در اقتصاد اسلامی را می‌توان در سه صنف دسته‌بندی کرد. ۱. برخی فرضیه‌ها از سنخ ساختارهاست. مقصود از ساختار، اموری است که برای فعالیت انسان، محیط، شکل و قالب ایجاد می‌کند و دامنه مجاز حرکت را تعیین می‌نماید؛ ۲. برخی فرضیه‌ها از سنخ تعیین راهبردهای اقتصادی است. مقصود از راهبرد در اینجا، جهت‌گیری و ذهنیت کلی است که یک مذهب اقتصادی دنبال می‌کند و تصمیماتش را بر اساس آن اتخاذ می‌نماید؛ ۳. برخی فرضیه‌ها از نوع تعیین اهداف تغییرناپذیر اقتصاد اسلامی است که اسلام همه تلاش‌هایش را در راستای تحقق آن به کار می‌گیرد.

منابع

- آخوندخراسانی، محمدکاظم، ۱۴۲۶ ه.ق. کفایة الاصول، چ سوم، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- ایازی، سیدمحمدعلی، ۱۳۸۹، ملاکات احکام و شیوه استکشاف آن، چ دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بلاگ، مارک، ۱۳۸۷، روش‌شناسی علم اقتصاد، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران، نشر نی.
- پوپر، کارل، ۱۳۶۳، حدس‌ها و ابطال‌ها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- شرف‌الدین، سیدحسین و همکاران، ۱۳۸۸، «مروری بر ویژگی‌های فرضیه و نقش آن در مطالعات تجربی»، معرفت فلسفی، س ۷، ش ۲، ص ۱۵۱-۱۸۴.
- شفیعی، علی، ۱۳۹۵، نظریه‌پردازی در فقه و اصول (گفت‌وگو با: جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شهید اول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، قم، منشورات مکتبه المفید.
- شیخ‌انصاری، مرتضی، ۱۴۱۱ ق، مکاسب، قم، دارالذخائر.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۸۲، اقتصادنا، چ دوم، قم، بوستان کتاب.
- _____، ۱۴۲۱ ق، المدرسة القرآنیة، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- _____، ۱۴۲۱ ه.ق، المعالم الجدیدة للاصول، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- _____، ۱۴۲۴ ق، الأسلام یقود الحیاء، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۸، بررسی‌های اسلامی: شامل مجموعه مقالات و رسائل، چ دوم، قم، بوستان کتاب.
- علی‌اکبریان، حسعلی، ۱۳۹۵، درآمدی بر فلسفه احکام (کارکردها و راه‌های شناخت)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۸۸، فقه و مصلحت، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قاسمی، اصل محمدجواد، ۱۳۹۳ بررسی و تحلیل جایگاه استقرار در روش شهید صدر در اقتصاد اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- _____، ۱۳۹۸، «نظریه‌سیاستی در اقتصاد اسلامی»، معرفت اقتصاد اسلامی، س ۱۰، ش ۲۰، ص ۱۶۱-۱۷۸.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۳، آموزش فلسفه، چ چهارم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، اسلام و مقتضیات زمان، چ ششم، تهران، صدرا
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۱ ق، فقه الامام الصادق، چ دوم، قم، انصاریان.
- مکارم، ناصر، ۱۳۹۰، القواعد الفقهیه، چ چهارم، قم، مدرسه امیرالمؤمنین (ع).
- موسوی‌نسب، سیدمحمدصادق، ۱۳۹۰، «فرضیه کجا لازم است؟»، پژوهش، ش ۵-۱۴.
- میرجلیلی، سیدحسین، ۱۳۸۸، روش تأیید و ابطال در اقتصاد، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نراقی، احمد، ۱۴۱۷ ق، عوائد الایام، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۹۱، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، چ چهارم، تهران، سمت.

Hypothesis in the Islamic Economic School with an Emphasis on the Martyr Sadr's Viewpoint in his Book “Eqtesadona”

Mohammad Javad Ghasemi Estahbanati, Ph.D. Student in Philosophy of Islamic Economics, IKI

Received: 2019/08/07 - Accepted: 2019/11/17

ghasemi2561@anjomedu.ir

Abstract

The hypothesis is a conjecture about the relationships between variables, which turns to be a theory in case of validity. The necessity, position, characteristics, and types of hypotheses are the subject of debates among scholars. The necessity of the hypothesis, its features and types are needed to be examined in the Islamic school of economics, which has a comprehensive program of economic prosperity. Using a descriptive-analytical method and relying on the martyr Sadr's viewpoint this paper studies the role of theory in discovering the economic school of Islam. The findings show that, hypothesis has a fundamental status in jurisprudence that cannot be ignored. Hypothesis is also needed in the Islamic economic school. According to Martyr Sadr's viewpoint, in direct discovery, the hypothesis is obtained through five stages of integration, separation, preference, formulation, and composition of religious laws. In reverse discovery, the hypothesis is derived from Islamic concepts. These assumptions are stable, general, strategic, and passive propositions against the behavior of people, which is among the structures such as the theory of production and distribution, strategies like diversity of ownership and goals, such as social (economic) justice.

Keywords: hypothesis, martyr Sadr, types of hypothesis, economic school, Islamic economics.

An Analytical Comparison of Observation Methods in Quantitative and Qualitative Research

Mohammad Sadegh Karimi / PhD Student in Educational Management, University of Isfahan

✉ Mitra Mirza Aghaei Kiakalai / PhD Student in Educational Management, University of Isfahan

mitra.mirzaaghaei@gmail.com

Ahmadreza Nasr Isfahani / Professor, Department of Educational Sciences, University of Isfahan

Received: 2019/10/04 - Accepted: 2019/02/21

Abstract

Using a comparative-analytical method, this paper seeks to present a systematic framework for observation as a technique of data collection in qualitative and quantitative research. To this end, while expressing goals and definitions of scientific observation, steps of observation, types and techniques of observation, auxiliary tools, methods of collecting and recording observational data and the common limitations and errors in observation and the error control methods have been studied and compared from different perspectives. Fifteen Iranian research articles and fourteen foreign research articles - which, according to the researchers, collected the required data through observation - were analyzed and compared. The findings show that, Iranian researches, in this area, have more restrictions in the enjoyment of digital tools, and the collaboration of the members under study for observation, but foreign researches have been widely welcomed by participants, and, unlike Iranian articles, they have detailed the limitations of the observation process.

Keywords: observation, observation techniques, tools, observation restrictions, observation error, error control.